

تحلیل مؤلفه‌های سبکی منظومه «آسمان هشتم» اثر میرمحمدامین (روح‌الامین) شهرستانی اصفهانی

نورسته باغبان مشیری، محمدرضا صرفی*، حمیدرضا خوارزمی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

سال نوزدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۶، صص ۲۸۸-۲۵۹

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8336>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: میرمحمدامین شهرستانی اصفهانی، متخلص به «روح‌الامین» و مشهور به «میرجمله» (۹۸۱-۱۰۴۷ق)، از مثنوی‌سرایان برجسته عصر صفوی است که منظومه «آسمان هشتم» (بهرام‌نامه) را با تأثیرپذیری از سنت داستانسرایی نظامی گنجوی سروده است. با وجود اهمیت این منظومه، ویژگیهای سبکی آن تاکنون به‌صورت مستقل و جامع بررسی نشده است. در این مقاله کوشیده ایم با هدف تبیین شیوه شاعری روح‌الامین، مؤلفه‌های زبانی، ادبی، تصویری، موسیقایی و فکری این اثر را بررسی کنیم.

روشها: پژوهش پیش رو مطالعه‌ای نظری است که به روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. محدوده و جامعه مورد مطالعه، متن منظومه «آسمان هشتم» یا «بهرام‌نامه» براساس نسخه‌های خطی موجود به شماره‌های ۴۱۵۱ دانشگاه تهران و ۸۹۹۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به همت مجمع ذخایر اسلامی قم و دانشگاه فریدریش ویلهلم بن، زیر نظر اوا اورتمن و محمد کریمی زنجانی اصل، منتشر شده است.

یافته‌ها: مطابق یافته‌های این پژوهش، برجستگی تصویرپردازی، آفرینش ترکیبات نو، بسامد بالای صنایع بلاغی، بهره‌گیری از ظرفیتهای موسیقایی شعر، تنوع واژگانی و انعکاس مضامین اخلاقی، عرفانی و دینی، مهمترین مؤلفه‌های سبکی این منظومه را تشکیل می‌دهند. همچنین، حضور مؤلفه‌هایی چون مضمون‌آفرینی، نازک‌خیالی، تشبیهات و استعاره‌های نو و مضمون‌پردازهای پیچیده، بیانگر تأثیرپذیری اثر از سبک هندی است.

نتیجه‌گیری: روح‌الامین، با وجود بهره‌گیری از سنت منظومه‌سرایی نظامی، از رهگذر نوآوریهای زبانی، تصویری و فکری، به سبک و بیانی مستقل دست یافته و «آسمان هشتم» را به اثری شاخص در سنت مثنوی‌سرایی دوره صفوی تبدیل کرده است.

تاریخ دریافت: ۰۱ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ داوری: ۰۳ تیر ۱۴۰۵

تاریخ اصلاح: ۱۸ تیر ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۰۱ شهریور ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

روح‌الامین اصفهانی، آسمان هشتم، مؤلفه‌های سبکی، سبک هندی

* نویسنده مسئول:

msarfi@uk.ac.ir

☎ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis of the Stylistic Features of the Narrative Poem Āsmān-e Hashtom by Mīr Muḥammad Amīn (Rūḥ al-Amīn) Shahrestānī Isfahānī

N. Baghban Moshiri, M.R. Sarfi*, H.R. Kharazmi

Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 22 May 2026

Reviewed: 24 June 2026

Revised: 09 July 2026

Accepted: 23 August 2026

KEYWORDS

Ruh al-Amin Esfahani; Asman-e Hashtom; stylistic features; Indian Style (Sabk-e Hendi)

*Corresponding Author

✉ msarfi@uk.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Mir Mohammad Amin Shahrestani Esfahani, known by the pen name Ruh al-Amin and commonly referred to as Mir-Jomla (981–1047 AH), was a prominent composer of masnavis in the Safavid period. Influenced by the narrative tradition of Nezami Ganjavi, he composed Asman-e Hashtom (Bahram-nama). Despite the significance of this work, its stylistic features have not yet been examined independently and comprehensively. This study seeks to elucidate Ruh al-Amin's poetic style by examining the linguistic, literary, figurative, musical, and intellectual features of the work.

METHODOLOGY: This theoretical study employs a descriptive-analytical method based on library research. The corpus of the study comprises the text of Asman-e Hashtom, or Bahram-nama, edited on the basis of the extant manuscripts bearing the shelf marks 4151 at the University of Tehran and 8990 at the Library of the Islamic Consultative Assembly. The work was published through the efforts of the Islamic Manuscripts and Documents Research Center of Qom and the University of Bonn, under the supervision of Eva Ortmann and Mohammad Karimi Zanjani Asl.

FINDINGS: The findings indicate that prominent features of the stylistic structure of the poem include its rich imagery, the creation of novel compounds, the high frequency of rhetorical figures, the extensive use of the musical capacities of poetry, lexical diversity, and the reflection of ethical, mystical, and religious themes. Furthermore, features such as thematic innovation, subtlety of thought, novel similes and metaphors, and intricate thematic constructions reveal the influence of the Indian Style (Sabk-e Hendi) on the poem.

CONCLUSION: Although Ruh al-Amin drew upon Nezami's tradition of masnavi composition, he achieved an independent style and mode of expression through linguistic, figurative, and intellectual innovations. In this way, Asman-e Hashtom occupies a distinctive position in the tradition of masnavi composition during the Safavid period.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8336>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 40	 2	 0

مقدمه

اثرپذیری شاعران از یکدیگر در تاریخ ادب فارسی، پیشینه‌ای دیرینه دارد و نظیره‌گویی، به عنوان آشکارترین جلوه این تأثیرپذیری، در گونه‌های مختلف ادبی نمود یافته است. در میان آثار شاعران ادب غنایی، منظومه‌های نظامی گنجوی به سبب جایگاه ممتاز خود، بیش از دیگر آثار، مورد توجه نظیره‌پردازان قرار گرفته است و بسیاری از شاعران ایرانی، منظومه‌سرایان ترک‌زبان و شاعران مقیم شبه‌قاره هند از آن پیروی کرده‌اند.

شاعران در طول قرون متمادی کوشیده‌اند با تقلید از خمسه نظامی، آثاری همانند آن بیافرینند و حتی به سرودن مثنویهای شش‌گانه (سته) و هفت‌گانه (سبعه) روی آورند. خمسه‌سرایی، به عنوان یکی از مهمترین شیوه‌های نظیره‌گویی، از روزگار نظامی آغاز شد و تا قرن دهم هجری تداوم یافت. هرچند هیچ‌یک از نظیره‌پردازان به جایگاه هنری نظامی دست نیافتند، برخی از آنان با ایجاد دگرگونی در روایت داستانها، بهره‌گیری از ذوق شاعری در آفرینش ترکیبهای تازه، توصیفهای دقیق و تصاویر بدیع، آثاری ارزشمند پدید آوردند.

بیان مسئله

منظومه‌های روایی عصر صفوی، افزون بر استمرار سنت داستانسرایی کلاسیک، عرصه‌ای برای تحول زبان، اندیشه و سبک در شعر فارسی به شمار می‌آیند. در میان این آثار، منظومه «آسمان هشتم» یا «بهرام‌نامه»، سروده میرمحمدامین شهرستانی اصفهانی (روح‌الامین)، با وجود برخورداری از ارزشهای ادبی و هنری، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و بررسیهای انجام شده عمدتاً به معرفی اثر یا زندگی شاعر محدود مانده است. از این رو، جای پژوهشی جامع که به تحلیل شیوه شاعری و ویژگیهای سبکی این منظومه بپردازد، همچنان خالی است.

روح‌الامین در سرایش این منظومه از سنت داستانسرایی نظامی گنجوی، به ویژه هفت‌پیکر، بهره برده است؛ با این حال، اثر او صرفاً بازآفرینی یا تقلید از الگوی پیشین نیست، بلکه در لایه‌های زبانی، بلاغی، تصویری، موسیقایی و فکری، ویژگیهایی دارد که از ذوق، خلاقیت و سبک فردی شاعر حکایت میکند. از سوی دیگر، این منظومه در دورانی پدید آمده است که شعر فارسی، تحت تأثیر مؤلفه‌های سبک هندی، دگرگونیهای چشمگیری را در حوزه مضمون‌آفرینی، تصویرسازی، ترکیب‌پردازی و شیوه بیان تجربه می‌گذراند. از این رو، بررسی میزان انعکاس این مؤلفه‌ها در «آسمان هشتم» میتواند در شناخت جایگاه ادبی روح‌الامین و روند تحول مثنوی‌سرایی عصر صفوی نقش مهمی ایفا کند.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که شیوه شاعری روح‌الامین در منظومه «آسمان هشتم» بر چه مؤلفه‌های سبکی استوار است و این مؤلفه‌ها چگونه هویت ادبی و هنری اثر را شکل داده‌اند. همچنین، پژوهش می‌کوشد نشان دهد که شاعر، ضمن بهره‌گیری از میراث داستان‌سرایی نظامی، با استفاده از ظرفیتهای زبانی، بلاغی، تصویری، موسیقایی و محتوایی، تا چه اندازه به استقلال سبکی دست یافته و چه جایگاهی در سنت مثنوی‌سرایی دوره صفوی دارد. پاسخ به این پرسشها، علاوه بر معرفی دقیق‌تر یکی از منظومه‌های کمتر شناخته‌شده عصر صفوی، میتواند به تبیین روند تحول سبک شعر روایی در این دوره و شناخت بهتر ویژگیهای سبکی آثار متأثر از سبک هندی یاری رساند.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش نشان میدهد که تاکنون مطالعات اندکی به منظومه «بهرام‌نامه» یا «آسمان هشتم» اثر روح‌الامین شهرستانی اصفهانی اختصاص یافته است و بیشتر این پژوهشها در حوزه تصحیح متن و معرفی اثر متمرکز بوده‌اند. در این زمینه، پایان‌نامه «تصحیح نسخه بهرام‌نامه روح‌الامین شهرستانی»، اثر اُستوتی بهاتیا، به

راهنمایی افشین وفایی، نخستین کوشش در تصحیح این منظومه به شمار می‌آید. همچنین، سمیه علی‌بیان رودبند در پایان‌نامه «تصحیح و بررسی سبک‌شناسانه هفت گنبد بهرام روح‌الامین اصفهانی» به راهنمایی علی لاغر فیروزجانی، افزون بر تصحیح متن، برخی ویژگیهای سبکی اثر را نیز بررسی کرده است. پایان‌نامه «تصحیح و تعلیق مثنوی آسمان هشتم اثر روح‌الامین شهرستانی اصفهانی»، تألیف فاطمه ره‌پیما، به راهنمایی سیدمحمد راستگو، نیز در شمار پژوهشهایی است که با رویکرد متن‌پژوهی و شرح و تعلیق منظومه تدوین شده است.

علاوه بر این، مقاله «بررسی انتقادی منابع شرح حال و سروده‌های روح‌الامین شهرستانی» نوشته محمد شادروی منش و کاوه اختری‌پور، منتشرشده در شماره ۶۵ فصلنامه آینه میراث (۱۳۹۶)، با رویکردی کتاب‌شناسی و تاریخ ادبی، به نقد منابع مربوط به زندگی، آثار و اشعار این شاعر پرداخته و در شناخت جایگاه ادبی وی گامی مؤثر برداشته است.

با وجود ارزش علمی این پژوهشها، بررسی پیشینه موجود نشان میدهد که تاکنون پژوهشی مستقل و جامع با تمرکز بر تحلیل شیوه شاعری روح‌الامین در آسمان هشتم و واکاوی هم‌زمان مؤلفه‌های زبانی، بلاغی، تصویری، موسیقایی و فکری این منظومه انجام نشده است. از این رو، پژوهش حاضر میکوشد با رویکردی سبک‌شناسانه، این خلأ پژوهشی را برطرف کرده و تصویری جامع از ویژگیهای هنری و سبکی این اثر و جایگاه آن در سنت مثنوی‌سرایی دوره صفوی ارائه دهد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌ها از متن منظومه «آسمان هشتم» یا «بهرام‌نامه» گردآوری شده است؛ متنی که براساس نسخه‌های خطی موجود به شماره‌های ۴۱۵۱ دانشگاه تهران و ۸۹۹۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به همت مجمع ذخایر اسلامی قم و دانشگاه فریدریش ویلهلم بن، زیر نظر اوا اورتمن و محمد کریمی زنجانی اصل، منتشر شده است. سپس ویژگیهای شاعری روح‌الامین با تکیه بر شواهد متنی، تحلیل و تبیین شده است.

بحث و بررسی

شرح احوال و آثار روح‌الامین شهرستانی اصفهانی

«نامش در تذکره‌ها گاه ذیل تخلص وی یعنی روح‌الامین آمده و از همه جا بهتر در مآثر الامراء میرعبدالرزاق خوافی زیر عنوان «میر محمد امین میرجمله شهرستانی» بازگو شده است» (صفا، ۱۳۷۵، ج ۵: ص ۱۱۱۸). وی به «میرجمله» نیز شهرت داشته است (ترکمان، ۱۳۷۷، جلد ۲: ص ۸۸۳) چنان‌که خود شاعر در مثنوی آسمان هشتم تصریح میکند، تخلص وی «روح‌الامین» بوده است، هرچند گاه به ضرورت وزن، از صورتهای «روح‌امین» و «امین» نیز استفاده کرده است:

بندۀ روح‌الامین دل شده آب شده در بحر دوستیش حباب
(روح‌الامین، ۱۳۹۱: ص ۴۳)

«او در بیست و نه سالگی به هند رفت و یک سال بماند تا در خدمت فرمانروایی مقامی یافت و چون شش سال دیگر بر آن برآمد (بیست و نه سال به اضافه یک سال به اضافه شش سال، مساوی است با سی و شش سال)، یعنی به قول خود او در سال ۱۰۱۷ به مقامی که از همه مرتبه‌ها بالاتر بود، میرجملگی (وزارت) نایل گشت» (صفا، ۱۳۷۵، ج ۵: صص ۱۱۱۸-۱۱۱۹). بنابراین، اگر سال دست‌یابی او به این مقام ۱۰۱۷ هجری قمری باشد، سال

تولد وی ۹۸۱ هجری قمری خواهد بود و سفر او به هند در حدود سال ۱۰۱۰ هجری قمری رخ داده است. مرگ میرجمله سال ۱۰۴۷ است (آقابزرگ تهرانی، ج ۷: ص ۳۸۶).
میرجمله پیرو مذهب امامیه بوده است (ابن یوسف شیرازی، ۱۳۱۸-۱۳۲۱، ج ۳: ص ۲۹۰). با این حال، علاقه او به فرهنگ و آیین ایران باستان و دین زرتشتی در اشعارش آشکار است. وی در بیتی چنین میگوید:
طریق تازه ز روح‌الامین فراگیرد تمام دفتر او شرح زند و پازند است
(عابدی، ۱۳۷۷: ص ۱۹۶)

روح‌الامین شهرستانی اصفهانی از شاعران پرکار روزگار صفوی است و آثار متعددی از خود بر جای گذاشته است که مهمترین آنها عبارتند از: خسرو و شیرین، مطمح الانظار، لیلی و مجنون، آسمان هشتم (بهرام‌نامه) و جواهرنامه (خوشگو، ۱۹۸۵: ص ۱۱۹؛ آقابزرگ تهرانی، ج ۷: ص ۳۸۶). در میان این آثار، «آسمان هشتم» مهمترین منظومه او و موضوع پژوهش حاضر است. او این مثنوی را در وزن فعلاتن مفاعلتن فعلن (بحر خفیف مسدس مخبون محذوف)، به وزن حدیقه سنایی و به تقلید از هفت‌پیکر نظامی، در سال ۱۰۲۱ سروده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ص ۳۸۶).

نویسنده/نریعه این منظومه را «بهرام‌نامه» یا «آسمان هشتم» نامیده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ص ۳۸۶). ذبیح‌الله صفا این منظومه را، افزون بر «آسمان هشتم»، «فلک‌البروج» نامیده است (صفا، ۱۳۷۵، ج ۵: ص ۱۱۲۳) و «بهرام‌نامه» را مثنوی جداگانه‌ای میداند که میرجمله آن را در برابر هفت‌گنبد نظامی سروده است (صفا، ۱۳۷۵، ج ۵: ص ۱۱۲۳). با این حال، شاعر در متن منظومه صراحتاً نام «آسمان هشتم» را برای اثر خود برگزیده است:
شد چو این کاخ سربلند تمام کردم‌ش آسمان هشتم نام

(روح‌الامین، ۱۳۹۱: ۱۴۶)

سرایش این منظومه در سال ۱۰۲۱ هجری قمری به پایان رسیده است و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های ایران و بریتانیا موجود است. پنجمین منظومه خمسه او «جواهرنامه» است که به گفته استاد صفا، احتمالاً در برابر «اسکندرنامه» نظامی سروده شده است (صفا، ۱۳۷۵، ج ۵: ص ۱۱۲۳). علاوه بر خمسه، روح‌الامین دیوانی از غزل با عنوان «گلستان ناز» نیز داشته است.

ویژگیهای سبکی منظومه «آسمان هشتم»

تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران در آغاز قرن دهم هجری، زمینه‌ساز دگرگونیهای مهمی در شعر فارسی شد. این تحولات، افزون بر زبان، بر شیوه بیان، تصویرپردازی و ساختار هنری شعر نیز تأثیر گذاشت و به تدریج سبکی را پدید آورد که بعدها با عنوان «سبک هندی» یا «سبک اصفهانی» شناخته شد و از اوایل قرن یازدهم هجری تا حدود دو قرن بر فضای شعر فارسی حاکم بود.

با این حال، شعر فارسی در قرن دهم هجری را باید مرحله‌ای انتقالی میان سبک عراقی و سبک هندی دانست. زبان شعر این دوره نه از استحکام و فصاحت شعر عراقی برخوردار است و نه به سادگی و نزدیکی به زبان محاوره‌ای که در برخی آثار سبک هندی دیده میشود، گرایش کامل دارد. از این رو، بسیاری از شاعران این دوره در مرز میان دو سبک قرار گرفته‌اند و آثار آنان ویژگیهای هر دو شیوه را در خود منعکس ساخته‌اند.

بررسی سبک‌شناسی منظومه «آسمان هشتم» نشان میدهد که روح‌الامین اصفهانی، هرچند از سنتهای ادبی پیشین تأثیر پذیرفته، اما نوآوری در ترکیب‌سازی، مضمون‌آفرینی، تصویرپردازی، بهره‌گیری از ظرفیتهای زبان

فارسی و توجه به ظرافت‌های بلاغی، از مهمترین مؤلفه‌هایی است که این منظومه را به برخورداری از ویژگی‌های سبکی منحصربه‌فرد نزدیک می‌سازد. از این رو، در ادامه، ویژگی‌های سبکی اثر در سه سطح زبانی، بلاغی و فکری بررسی میشود تا جایگاه شاعر در میان شاعران این سبک روشنتر شود.

بررسی سطح زبانی

سطح زبانی یکی از مهمترین سطوح بررسی سبک‌شناسی آثار ادبی است؛ زیرا ویژگی‌های آوایی، واژگانی، صرفی و نحوی هر اثر، افزون بر آشکار ساختن سبک فردی شاعر، جایگاه او را در جریان‌های سبکی نیز مشخص میکند. با توجه به گستردگی این حوزه، بررسی سطح زبانی منظومه «آسمان هشتم» در دو بخش آوایی (موسیقایی) و لغوی انجام میشود.

سطح آوایی (موسیقایی)

موسیقی شعر از بنیادین‌ترین عناصر سازنده ساختار هنری اثر ادبی است و نقش مهمی در انتقال عاطفه، تقویت معنا و افزایش تأثیرگذاری کلام دارد؛ از این رو در پژوهش‌های سبک‌شناسی جایگاه ویژه‌ای یافته است. در این پژوهش موسیقی شعر در سه بخش موسیقی بیرونی، درونی، کناری بررسی میشود:

موسیقی بیرونی

روح‌الامین اصفهانی منظومه «آسمان هشتم» را در بحر خفیف و وزن «فعلاتن مفاعیلن فعْلن» سروده است. انتخاب این وزن برای منظومه‌ای روایی، نشان‌دهنده آشنایی شاعر با ظرفیتهای موسیقایی و روایی آن است. روح‌الامین، همانند بسیاری از شاعران فارسی‌زبان، برای حفظ وزن و موسیقی شعر از اختیارات شاعری، مانند اسکان متحرک، تشدید مخفف، اشباع و... بهره برده است.

اسکان متحرک: در این شیوه، هجای متحرک به صورت ساکن تلفظ میشود:

ظفر و فتح بندگانت شدند بخت و اقبال پاسبانت شدند
(همان: ۵۰)

تشدید مخفف: در این اختیار، حرف غیر مشدد به صورت مشدد خوانده میشود:

ور خری گوش و سَم و دَمَت کو کس ندیده حمار آدم‌رو
(همان: ۶۱)

اشباع: در این حالت، مصوت کوتاه کشیده‌تر تلفظ میشود تا وزن بیت کامل گردد:

آن خضر مشربِ مسیحاکام پسری داشت همچو ماه تمام
(همان: ۹۷)

همچنین از اختیارات وزنی مانند آوردن «فاعلاتن» به جای «فعلاتن» در رکن آغازین؛ مانند:

دل تهی کن زمهر این عالم به خودآویز هستی ار آدم
(همان: ۱۴۲)

و از اختیار وزنی تسکین (ابدال) یعنی آوردن «فع لن» به جای «فعْلن» بهره برده است:

حوریان بهشت در وی جمع همه پروانه گشته بر آن شمع
(همان: ۶۸)

موسیقی کناری

موسیقی کناری از هماهنگی قافیه و ردیف پدید می‌آید و یکی از ارکان موسیقایی شعر فارسی به شمار می‌رود. بررسی «آسمان هشتم» نشان می‌دهد که روح‌الامین بیش از کاربرد ردیف، به قافیه‌پردازی توجه داشته است؛ از این رو، بسامد ردیف در این منظومه چندان بالا نیست.

ردیف:

ردیف‌های به‌کاررفته در منظومه، به‌صورت ضمیر، حرف، اسم و ترکیب‌های فعلی دیده می‌شوند که در میان آنها، ردیف‌های اسمی بسامد بیشتری دارند.

ردیف ضمیر:

خفت آن بخت عیش‌پرور ما خاک محنت فشان بر سر ما
(همان: ۱۲۶)

ردیف حرف:

گرچه او بنده است یزدان را داده جسمش ولی شرف جان را
(همان: ۴۳)

ردیف اسمی:

چون تو را جای هست در گلشن به چه باشی مقیم در گلخن
(همان: ۵۹)

طولانی‌ترین ردیف به‌کاررفته در این منظومه عبارت «بود ز عشق» است که در بیت زیر دیده می‌شود:

ژنده‌پوشی که زاده بود ز عشق داغ بر دل نهاده بود ز عشق
(همان: ۹۷)

قافیه:

بررسی قافیه در «آسمان هشتم» نیز نشان می‌دهد که روح‌الامین در گزینش قافیه مهارت چشمگیری دارد. تنوع قافیه‌ها و بهره‌گیری از ظرفیتهای صرفی و نحوی زبان، از ویژگیهای موسیقی کناری این منظومه است:

پسوند در جایگاه قافیه:

هرکه را درد عشق بیشتر باشد بر سر آن گروه سر باشد
(همان: ۳۹)

پیشوند در جایگاه قافیه:

اشتران بی‌رقیب برگشتند نه به پا چرخشان ز سر گشتند
(همان: ۱۱۹)

حرف اضافه در جایگاه قافیه:

یکی از هم‌رهان به کشتی در خواب را خفته بود بر بستر
(همان: ۹۵)

قافیه ممال:

سهمگین سخترو تمام‌نهیَب بادش از ترس خاک کرده رکیب
(همان: ۹۴)

کاربرد نام اشخاص در قافیه:

صد چو محمود با هزار نیاز پیش اقبال تو شدند ایاز
(همان: ۹۶)

قافیه مرکب:

نسبت خلق عصر با تو خطاست قوس را همچو تیر گفته که راست
(همان: ۵۷)

افزودن حروف الحاقی برای حفظ وزن و قافیه:

خلق راعی شده گرایندش باز نسبت به من نمایندش
(همان: ۵۳)

تغییر حرکت در واژه برای حفظ وزن و قافیه:

شد به ایمای عشق با دل خوش وامق آن نهال عذراوش
(همان: ۹۹)

ساخت واژه برخلاف قیاس برای حفظ وزن و قافیه:

شاه چون این حدیث خوش بشنید همچو گل در گه سحر شکفید
(همان: ۶۴)

موسیقی درونی

موسیقی درونی یکی از برجسته‌ترین مؤلفه‌های هنری «اسمان هشتم» است که از رهگذر آرایه‌هایی چون تکرار، قافیه میانی، ذوقافیتین، انواع جناس، تضاد و واج‌آرایی پدید آمده است. این عناصر، افزون بر ایجاد آهنگ درونی، در برجسته‌سازی مفاهیم و افزایش تأثیر عاطفی و هنری کلام نیز نقش مؤثری دارند؛ این ویژگی‌ها از نشانه‌های گرایش او به سبک هندی به‌شمار می‌آید:

تکرار:

خاکریزی کجا و ماه کجا دختر کفش‌دوز و شاه کجا
(همان: ۱۱۳)

قافیه میانی:

من دگر خسته بودم از تک و دو کهنه دوش را نمودم نو
(همان: ۱۲۰)

ذوقافیتین:

گشت جسمم قرین انجمنی باغ دلخواه را بهین چمنی
(همان: ۱۱۸)

جناس:

از پربسامدترین آرایه‌های لفظی در این منظومه است و شاعر از گونه‌های مختلف آن بهره برده است:

جناس تام مماثل:

گشت بهرام مایل آن گور رفت چون آفتاب زنده به گور
(همان: ۱۳۵)

جناس تام مستوفی:

بر سر خاک و آب و آتش و باد سایهات مستدام، باقی باد
(همان: ۱۲۹)

جناس مرکب مفروق:

میرسد چون ز مرگ پروا، نه میرود نزد شمع پروانه
(همان: ۹۸)

جناس خط:

لرزه افتد به دست او حالی جام لبریز او شود خالی
(همان: ۵۸)

جناس زاید:

داده‌ای ای لبالب از تو جهان جسد لفظ را ز معنی جان
(همان: ۳۸)

جناس لاحق:

راه دیدار توست گر باریک چشم حق‌بین کجا شود تاریک
(همان: ۳۸)

تضاد:

تقابل «خاص» و «عام» موجب برجستگی معنایی بیت شده است:
همچو خورشید گشت صاحب‌نام خلق محتاج او، چه خاص و چه عام
(همان: ۱۰۵)

واج آرایی:

خویش را گم نموده کو کو کو کرد چون سرو روی دل آن سو
(همان: ۱۱۰)

تکرار واج «ک» و «و» در بیت بالا، موسیقی درونی آن را تقویت کرده و بر خوش‌آهنگی کلام افزوده است.

سطح لغوی

سطح لغوی یکی از مهمترین حوزه‌های بررسی سبک‌شناسی آثار ادبی است؛ زیرا نوع واژگان، شیوه ترکیب سازی، میزان کاربرد واژه‌های کهن، عربی و عامیانه و نیز بهره‌گیری از ظرفیتهای واژگانی زبان، از عوامل اصلی شکل‌گیری سبک فردی شاعر و سبک دوره به‌شمار می‌روند. بررسی این سطح در منظومه «آسمان هشتم» نشان می‌دهد که روح‌الامین اصفهانی با بهره‌گیری از امکانات گوناگون زبان فارسی، ضمن حفظ پیوند با سنت ادبی، بسیاری از مؤلفه‌های شاخص سبک هندی را نیز در زبان شعر خود آشکار ساخته است.

بررسی ترکیب‌سازیهای روح‌الامین

زبان فارسی به سبب توانایی فراوان در ساخت ترکیبات تازه، بستری مناسب برای تصویرپردازی و مضمون‌آفرینی فراهم آورده است. این ویژگی در سبک هندی به اوج خود میرسد و به یکی از شاخصه‌های اصلی این سبک تبدیل میشود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۶۵). بررسی منظومه «آسمان هشتم» نیز نشان میدهد که ترکیب‌سازی در این اثر تنها وسیله‌ای برای گسترش دایره واژگان نیست، بلکه مهمترین ابزار شاعر در آفرینش تصاویر بدیع و مضامین تازه به شمار میرود و در شعر او حضوری چشمگیر دارد. گاه در یک بیت چندین ترکیب بدیع در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده ذوق سرشار شاعر در مضمون‌آفرینی است:

مهروش، سیم‌تن، همایون فال زهره‌خو، ماه‌رو و مشکین‌خال
(همان: ۸۰)

همچنین، ترکیباتی چون: پیرهن‌عقل و آفتاب‌کلاه (ص ۵۱)، حبشی‌طبع (ص ۵۳)، آسمان‌خرگاه و مهرلگن (ص ۵۴)، فلک‌پیوند و همایون‌لقا (ص ۵۵)، ترزبان (ص ۶۷)، پیرهن لاله، اختربیز و گل‌کلاه (ص ۹۵)، چرخ‌مثال (ص ۹۸)، طبرزدلب (ص ۹۹)، اشارت‌طراز (ص ۱۰۴)، بوله‌سیرت، ذمیمه‌خصال، زهر در دنبال (ص ۱۰۵)، تاتاربرج (ص ۱۰۹)، ختنی‌ماه (ص ۱۱۸)، فسانه‌طراز (ص ۱۱۹)، اژدرفعال (ص ۱۳۱).

موتیف «ذره» و «آفتاب»

کاربرد برخی واژه‌ها و ترکیبات در «آسمان هشتم» بسامد بالایی دارد؛ به گونه‌ای که میتوان آنها را از موتیفهای اصلی شعر روح‌الامین دانست. موتیف، عبارت است از اندیشه، موضوع، تصویر یا عنصری که به صورت مکرر در یک اثر ادبی تکرار میشود و بازتاب‌دهنده ذهنیت و حساسیت هنرمند نسبت به مفهومی خاص است (آلاشتی‌پور، همان: ۸۶).

بررسی «آسمان هشتم» نشان میدهد که عناصری چون «آفتاب»، «ماه»، «گل»، «سپهر»، «آتش»، «خضر»، «مسحاح»، «باده»، «شمع»، «راح»، «لقا» و «طراز» از پرسامدترین عناصر واژگانی و تصویری این منظومه‌اند. تکرار این عناصر در سراسر اثر، نقش مهمی در مضمون‌سازی، تصویرآفرینی و شکل‌گیری جهان شعری روح‌الامین ایفا میکند و از ویژگیهای برجسته سبک فردی او به شمار میرود. در میان واژگان و تصاویر پرسامد آسمان هشتم، دو واژه «ذره» و «آفتاب» جایگاه ویژه‌ای دارند:

آفتابی به ذره گشت نهان روی بنما و گرم کن میدان
(همان: ۴۹)

خاره‌ای بود، آب گشت از او ذره‌ای بود، آفتاب گشت از او
(همان: ۱۴۸)

واژه «آفتاب» در توصیف شخصیت بهرام نیز بسامد بالایی دارد؛ از جمله:

«آفتاب‌قبا» (ص ۶۵)، «آفتاب‌سیر» (ص ۱۲۹)، «بدر آفتاب‌نسب» (ص ۱۲۹)، «آفتاب‌کلاه» (ص ۱۴۰).

کاربرد واژگان و ترکیبات مهجور

یکی از ویژگیهای زبانی مثنوی «آسمان هشتم»، کاربرد واژگان و ترکیبات کهن و کم‌کاربرد است. روح‌الامین، با وجود آنکه در دوره رواج سبک هندی میزیست و زبان شعر او از سادگی و روانی نسبی برخوردار است، از ظرفیت واژه‌های کهن زبان فارسی نیز بهره گرفته است. با این حال، بسامد این واژه‌ها به اندازه‌ای نیست که موجب

دشواری فهم متن یا کاستن از روانی کلام شود؛ بلکه در بسیاری از موارد به غنای زبانی اثر و حفظ پیوند آن با سنت ادبی پیشین کمک کرده است. برای نمونه:

لب طبرزد دو گونه چون گلنار مهرش از رشک روی او آزار
(همان: ۸۹)

طبرزد: نبات سرخ

از جمله: «سرای سپنج»: دنیای فانی (ص ۵۳)، «شین»: عیب و ننگ (ص ۶۱)، «سهم»: ترس (ص ۸۶)، «تعویذ»: دعای چشم‌زخم، «تحاشی»: پرهیز و استنکاف (ص ۹۳)، «دستور»: وزیر (ص ۱۰۰)، «غراب»: کلاغ سیاه (ص ۱۰۶)، «گلخن»: آتشخانه حمام (ص ۱۰۷)، «مغاک»: گودال و چاله عمیق (ص ۱۰۱)، «خزف»: سفال، «انباز»: شریک و همکار (ص ۱۳۰)، «انبان»: کیسه بزرگ چرمی (ص ۱۳۰)، «هیون»: شتر (ص ۱۳۶)، «گسیل کردن»: فرستادن (ص ۱۳۶)، «گریوه»: گردنه (ص ۱۳۹)، «مخلب»: چنگال (ص ۱۴۱)، «آخشيجان»: عناصر چهارگانه طبیعت (ص ۱۴۶).

برخی ویژگیهای دستوری (صرفی و نحوی)

یکی از ویژگیهای زبانی / این منظومه، کاربرد برخی ساختهای دستوری است که شیوه بیان در سبک خراسانی را فریاد می‌آورد. این ویژگیها نشان میدهد که روح‌الامین، با وجود تعلق به دوره رواج سبک هندی، در مواردی از ساختهای کهن نحوی و صرفی با بسامد بسیار بالا بهره برده است. مهمترین این ویژگیها به قرار زیر است:

کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم:

نه منم یکه اندر این گل در عقل کل را گذشته آب از سر

(همان: ۴)

کاربرد واژه‌های کهن «اندر» و «مر»:

باده افکند زهره اندر جام کرد بهرام را چو ماه تمام
(همان: ۷۵)

خواب غفلت ربود ایشان را کرد بدرد جسم مر جان را
(همان: ۸۷)

پرش ضمیر:

«پرش ضمیر» از ساختهای برجسته نحوی در این منظومه است. در این پدیده، ضمیر از جایگاه معمول خود جدا میشود و در موقعیتی دیگر در جمله قرار میگیرد. این شگرد، علاوه بر نقش موسیقایی، در برجسته‌سازی معنایی نیز موثر است. این ویژگی در منظومه با بسامد قابل توجهی مشاهده میشود:

بهر کشتی رفیق با آرام آمدش از سکون جواب سلام
(همان: ۸۷)

کاربرد را «فک اضافه» و «حرف اضافه»:

در سطح ترکیبهای نحوی، این نوع کاربرد «را» از شگردهای مهم زبانی اثر به شمار میرود، این ساختها ابزار مهم ایجاز، موسیقی کلام و گاه برجسته‌سازی معنایی در کلام هستند. بررسی مثنوی «آسمان هشتم» نشان میدهد که فک اضافه در این اثر بسامد بیشتری نسبت به حرف اضافه دارد:

فکّ اضافه:

باغبان را _____ برفت تاب و توان که به سوی دلش نیامد جان
(همان: ۷۶)

حرف اضافه:

روز جمعه که ختم ایام است مرغ عیش و نشاط را دام است
(همان: ۱۲۹)

حذف فعل:

حذف فعل از مهمترین شیوه‌های ایجاز در زبان فارسی است که بر پایه قرینه لفظی و معنایی شکل میگیرد. روح‌الامین نیز در «بهرام‌نامه» از این ظرفیت زبانی بهره گرفته و نمونه‌های متعددی از حذف فعل را به کار برده است:

قصه کوتاه، مباحش شعله‌دهن ورنهات خون خویش در گردن
(همان: ۶۹)

است: حذف به قرینه معنایی

هست دایم به خویشتن مشغول گاه قابل بود، گهی مقبول
(همان: ۶۹)

بود: حذف به قرینه لفظی

کاربرد فعل «شد» در معنای «رفت»:

کاربرد فعل «شد» به معنای «رفت» از ویژگیهای کهن زبانی است که در این منظومه بسامد قابل توجهی دارد:
نور چشمم بگشت، بستان شد طفل شد دل، سوی دبستان شد
(همان: ۹۰)

کاربرد افعال پیشوندی:

افعال پیشوندی با بسامد بالا از عناصر مهم تنوع واژگانی و گسترش ظرفیت معنایی در این منظومه‌اند:
بر سرم هوش چون فراز آمد آن خیالات رفته باز آمد
(همان: ۸۵)

کاربرد «ی» استمراری:

کاربرد «ی» استمراری نیز از دیگر ویژگیهای زبانی اثر است. این ساخت معمولاً برای بیان عادت، تکرار یا استمرار کنش در گذشته به کار میرود:

ازدها خاک و او علف خوردی دست غم زین وسیله جان بردی
(همان: ۱۴۴)

کاربرد «همی» استمراری:

همی به عنوان نشانه استمرار فعل، از عناصر مهم زبان فارسی کهن است که در *بهرام‌نامه* نیز بسامد دارد.
تخت گشتش نصیب و تاج همی یافت زان مملکت خراج همی
(همان: ۱۰۲)

کاربرد واژه‌ها و ترکیبات عربی

واژه‌ها و ترکیبات عربی در «بهرام‌نامه» بسامد قابل توجهی دارند، بدون آنکه به روانی متن آسیب بزنند. برخی از آنها رایج و برخی دیگر نسبتاً نامأنوسند:

مهرتر ما که یوسف عهد است ثانی اثنین شیخ نه مهد است
(همان: ۱۰۷)

نمونه‌های دیگر:

مخلع (ص ۶۰)، ذمیمه (ص ۱۳۱)، عدیل (ص ۵۲)، فایض (ص ۵۱)، رایض (ص ۵۱)، صغار و کبار (ص ۶۲)، فی‌الحال (ص ۷۰ و ۷۷)، الحذر الحذر (ص ۸۳)، یمین و یسار (ص ۹۰)، ابجد (ص ۱۰۹)، بوالعجب (ص ۱۱۳)، تمثال (ص ۱۱۷)، علی‌الرسم (ص ۱۲۰)، ثانیه (ص ۱۲۳)، قابض (ص ۱۳۱)، ذوالمنن (ص ۱۴۱)، قوت‌الحیات (ص ۱۴۸).

کاربرد واژه‌ها و تعبیرات عامیانه

بهره‌گیری از زبان عامیانه از ویژگیهای زبانی اثر است، این ویژگی نه تنها با گرایشهای سبک هندی؛ یعنی توجه به زبان محاوره و بیان ساده، هماهنگی دارد؛ بلکه بر روانی و صمیمیت کلام افزوده است:

شسته و رفته چون دل عشاق در زمین همچو مه به گردون طاق
(همان: ۸۶)

همچنین: همبر جهل (ص ۵۹)، روی ترش کردن (ص ۶۲)، چشم چهار کردن (ص ۷۶)، بقچه زیر بغل (ص ۸۲)، سنگ به کاسه افکندن (ص ۸۵)، دل‌دویده (ص ۹۰)، داغ بر سر داشتن، جوش خوردن (ص ۹۰)، آسمان بر سر خوردن، پا به گل رفتن، پامال شدن (ص ۹۱)، مو به مو (ص ۹۵)، چاکاچاک (ص ۱۰۷)، آتش در کاسه کردن (ص ۱۲۰)، بی‌سر و پا (ص ۱۴۴)، کار و بار (ص ۱۴۶)، از واقعه کباب شدن (ص ۱۵۰)، در تگ‌ودو شدن، خشت بر سر کردن (ص ۱۵۱).

بررسی سطح بلاغی

روح‌الامین اصفهانی با بهره‌گیری از انواع صنایع لفظی و معنوی — که از مهمترین ویژگیهای بلاغی سبک هندی است — کلامی هنری و تاثیرگذار پدید آورده است. وی با استفاده از آرایه‌هایی چون تشبیه، استعاره، کنایه، اغراق، ایهام، حسن تعلیل و پارادوکس، بر غنای ادبی اثر افزوده است.

تشبیه

تشبیه پرسامدترین آرایه ادبی در *بهرام‌نامه* است و در میان انواع آن، تشبیه بلیغ و تشبیه تفضیل بیش از دیگر گونه‌ها به کار رفته‌اند.

الف: تشبیه بلیغ

بلبل وصل کو به منبر شاخ ترزبان گشته و شده گستاخ
(همان: ۸۸)

نمونه‌های بیشتر: «درج دردانه سخا»، «کعبه همت» (ص ۴۸)، «معجر تیغ» و «مرغ کفر» (ص ۵۰)، «مرغ مهر و وفا» (ص ۵۵)، «اژدر غم» (ص ۵۹)، «تنور فراق» (ص ۷۶)، «جام زرین‌روز» (ص ۸۵)، «روغن غم» (ص ۹۵)، «یوسف عشق» (ص ۱۰۲)، «نخل مقصد» (ص ۱۰۹)، «جام شوق» و «راح کلام» (ص ۱۱۸)، (ص ۱۱۹)، «محیط

علم» (ص ۱۲۱)، «مرغ دل» (ص ۱۲۲)، «خاک غم» (ص ۱۳۰)، «محیط غیرت» (ص ۱۳۲)، «محیط ملال» (ص ۱۳۷)، «بادۀ جان» (ص ۱۳۹)، «روغن عشق» (ص ۱۴۱)، «شمع دانش» (ص ۱۴۲)، «کهنه‌دلق جان» (ص ۱۴۳)، «تاج قدر» و «شمع اندوه» (ص ۱۴۵)، «گل مه» (ص ۱۴۸)، «راح فراغت» (ص ۱۵۰)، «دکان شادی» و «راح مهر» (ص ۱۵۱)، «زر مدحت» و «گهر مدح» (ص ۱۵۲).

ب: تشبیه تفصیل

تشبیه تفصیل نیز از گونه‌های پرسامد در «بهرام‌نامه» است و شاعر، از آن برای برجسته‌سازی ویژگیهای مشبه بهره گرفته است و بدین‌وسیله بر زیبایی و تأثیرگذاری کلام خود افزوده است:

لب چو عنب و کام پر ز شکر عقد دندان‌ش برده آب گهر
(همان: ۷۸)

استعاره

استعاره پس از تشبیه، پرسامدترین آرایهٔ بیانی در «بهرام‌نامه» است و استعارهٔ مصرحه، بیش از دیگر انواع آن به کار رفته است.

الف: استعارهٔ مصرّحه

روح‌الامین با بهره‌گیری این نوع استعاره، مفاهیم و شخصیتها را با تعابیر استعاری و خیال‌انگیز بیان کرده است؛ مانند:

گفت آن بدر آفتاب‌نسب
به دلارام مشتری‌مشرب
(همان: ۱۲۹)

بدر آفتاب نسب: بهرام

ب: استعاره‌های نو و بدیع

یکی از ویژگیهای برجستهٔ سبک روح‌الامین، استفاده از استعاره‌های تازه و مضمون‌آفرین است:

گفتهٔ من که تلخ و صاف بُود با می ناب هم‌مضاف بُود

نشئه‌اش هست بیشتر ز می گر بنوشی بری به سوی وی
(همان: ۶۱)

نشئه: سخن شاعر و تأثیر عمیق آن بر مخاطب

فکر شومش به این گرفت قرار که چو آید غراب مهر شکار
(همان: ۱۰۶)

غراب: شب و تاریکی

چون نهان شد ز دید حقهٔ نور قبلهٔ زردهشت شد مستور
(همان: ۱۱۹)

قبلهٔ زردهشت: خورشید

ج: استعارهٔ مکنیه، تشخیص (اسناد مجازی)

تشخیص از گونه‌های پرسامد استعاره در «آسمان هشتم» است. روح‌الامین با جان‌بخشی به عناصر طبیعت و اشیای بی‌جان، تصاویر زنده و خیال‌انگیزی آفریده است؛ برای نمونه:

ماه اول نقاب یکسو کرد با شب تیره روی در رو کرد
(همان: ۱۰۴)

در این بیت، «ماه و شب» همچون انسانهایی تصویر شده‌اند که دارای چهره و توان رویارویی‌اند.

مجاز

روح‌الامین از مجاز برای ایجاز و تقویت بیان هنری بهره فراوان برده است. برای نمونه:

خامه من جهان جوان سازد ورقی را صد آسمان سازد
(همان: ۱۴۷)

خامه: مجاز از شعر؛ جهان: مجاز از مردم جهان

کنایه

کنایه از آرایه‌های پربسامد این منظومه است و شاعر از آن برای بیان غیر مستقیم مفاهیم بهره گرفته است؛ برای نمونه:

سیمیا بود کمترین فن او میزدی زین بر آسمان پهلو
(همان: ۱۲۹)

بر آسمان پهلو زدن: کنایه از به اوج توانایی و برتری رسیدن.

همچنین موارد زیر:

«کلاه از سر بودن»: فریب دادن، مغلوب کردن (ص ۷۰)؛ «پای در دامن کشیدن»: کناره‌گیری کردن (ص ۷۶)؛ «سنگ در کاسه انداختن»: ایجاد اختلاف یا برهم زدن آرامش (ص ۸۵)؛ «پا از گل بیرون آوردن»: رهایی یافتن از گرفتاری (ص ۹۱)؛ «سر بر چرخ ساییدن»: به اوج سرفرازی رسیدن (ص ۱۰۴)؛ «بخیه بر کار افکندن»: آگاه شدن از کار (ص ۱۳۰)؛ «طاقت در آب افکندن»: از دست دادن شکیبایی (ص ۱۳۵)؛ «صاحب کلاه شدن»: به مقام و منزلت رسیدن (ص ۱۵۱).

بهره‌گیری از این تعبیر، افزون بر ایجاد ایجاز و لطافت بیانی، موجب افزایش تأثیرگذاری عاطفی و تصویرسازی هنری در منظومه «آسمان هشتم» شده است.

اغراق

اغراق از آرایه‌های پربسامد این منظومه است و بیشتر در توصیف شخصیتها و بیان شکوه و توانایی آنان به کار رفته است. شاعر با بهره‌گیری از این آرایه، صفات، حالات یا رویدادها را فراتر از اندازه واقعی آنها توصیف میکند تا بر تأثیر عاطفی و هنری کلام بیفزاید. برای نمونه:

تیغت افکنده بر سپهر شکاف ارزنی در برت بود گه قاف
(همان: ۴۹)

حسن تعلیل

حسن تعلیل از آرایه‌های معنوی است که شاعر برای پدیده‌ها و رویدادها علتی خیالی و شاعرانه بیان میکند. روح‌الامین از این شگرد، هر چند با بسامد اندک، برای آفرینش تصاویر خیال‌انگیز بهره برده است.

شده مصروع جاودان دریا بر لبش کف نموده زین رو جا
(همان: ۱۴۶)

شاعر علت پدید آمدن کف بر لب دریا را داشتن بیماری صرع دانسته است.

ایهام

این آرایه در آسمان هشتم بسامد بالایی ندارد؛ باین‌حال، روح‌الامین گاه از ظرفیت دو معنایی واژه‌ها بهره برده است. برای نمونه:

شد مع القصه اخترم مسعود کار من گشت عاقبت محمود
(همان: ۵۳)

واژه‌های «مسعود» و «محمود» افزون بر معنای «فرخنده» و «نیک‌بخت»، می‌توانند یادآور سلطان مسعود و سلطان محمود غزنوی نیز باشند.

تنسیق الصفات

تنسیق الصفات از شگردهای پرکاربرد روح‌الامین است که با آوردن صفات هماهنگ و پیاپی، به توصیف شخصیت‌ها و پدیده‌ها جلوه‌ای هنری و تاثیرگذار میبخشد؛ برای مثال:

مه‌روش، سیم‌تن، همایون فال زهره‌خو، ماه‌رو و مشکین‌خال
(همان: ۸۰)

اسلوب معادله

اسلوب معادله از ویژگی‌های سبک هندی است که در آن دو مصراع رابطه‌ای مستقل و هم‌ارز دارند. روح‌الامین نیز برای بیان مضامین حکمی و اخلاقی از این شگرد بهره برده است؛ ازجمله:

هیچ رنگی به زرد همسر نیست سیم اگر رایج است، چون زر نیست
(همان: ۱۰۸)
همسر من چو من کسی باید کاه را همنشین خسی باید
(همان: ۱۱۳)

متناقض‌نما (پارادوکس)

متناقض‌نما از آرایه‌های معنوی پرکاربرد در شعر روح‌الامین است که از کنار هم نشان دادن مفاهیم ظاهراً متضاد، بر عمق معنا و زیبایی کلام می‌افزاید:

من که در هر سه از همه پیشم پادشاهم ولیک درویشم
(همان: ۱۴۷)

اجتماع دو مفهوم متضاد «پادشاه» و «درویش» پارادوکسی معنایی پدید آورده است.

حس آمیزی

روح‌الامین با درآمیختن حوزه‌های مختلف حسی، تصاویری تازه و تأثیرگذار خلق کرده است:

نمکی در کلام خویش افکند دل شه را به دام خویش افکند
(همان: ۱۱۶)

تلمیح

تلمیح از آرایه‌های پرکاربرد در «آسمان هشتم» است. روح‌الامین با اشاره به شخصیتها و رویدادهای دینی، تاریخی و اسطوره‌ای بر غنای معنایی شعر می‌افزاید:

جفت سیمرغ تیر خون‌ریزش باز جانگیر خنجر تیزش
(همان: ۵۵)

تلمیح به سیمرغ، پرندۀ اساطیری شاهنامه که نماد دانایی، قدرت و حمایت است.

خضر ره گشت و رو به ره آورد روح بهر نثار شاه آورد
(همان: ۷۳)

تلمیح به خضر(ع)، شخصیت مشهور دینی که در فرهنگ اسلامی نماد جاودانگی، هدایت و راهنمایی است.

آگهی ده ز سر پنهانم شو مسیحا و زنده گردانم
(همان: ۸۳)

همچنین تلمیح به حضرت مسیح (ع) و معجزۀ زنده کردن مردگان (ص ۸۳)، داستان حضرت یوسف (ص ۹۱)، داستان حضرت لوط (ص ۱۳۰). علاوه بر این، روح‌الامین از آیات و عبارات قرآنی نیز بهره‌ فراوان برده است که بر جنبۀ دینی و معنوی منظومه افزوده است؛ برای نمونه:

از دعا بر تنم زره پوشاند رو به من کرد و این‌یکاد بخواند
(همان: ۵۱)

تلمیح به آیه «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا...» (قلم/ ۵۱) که در فرهنگ عامه برای دفع چشم‌زخم و بلا خوانده میشود. جدول ۱. فراوانی و درصد کاربرد آرایه‌های ادبی در ۳۸۷ شاهد بررسی شده در آسمان هشتم:

آرایه‌های ادبی	تشبیه	استعاره	کنایه	مجاز	تلمیح	ایهام
بسامد	۱۴۴	۸۹	۶۹	۲۱	۱۵	۱۴
درصد	۳۷٪/۲۱	۲۳٪	۱۷٪/۸۳	۵٪/۴۳	۳٪/۸۸	۳٪/۶۲

آرایه‌های ادبی	اغراق	متناقض‌نما	اسلوب معادله	تنسیق الصفات	حسن آمیزی	حسن تعلیل
بسامد	۱۰	۸	۵	۵	۴	۳
درصد	۲٪/۵۸	۲٪/۰۷	۱٪/۲۹	۱٪/۲۹	۱٪/۰۳	٪/۷۸

چنان‌که از جدول برمی‌آید، تشبیه و استعاره بیشترین بسامد را در میان آرایه‌های بررسی‌شده دارند. بسامد چشمگیر این دو آرایه، در کنار حضور قابل توجه کنایه، نشان‌دهندۀ گرایش روح‌الامین به تصویرسازی، بیان غیرمستقیم و آفرینش روابط تازه میان عناصر شعری است. سایر آرایه‌ها نیز با بسامدهای متفاوت، در ایجاد تنوع و غنای بلاغی آسمان هشتم نقش دارند.

تصویرپردازیهای زیبا و بدیع

تصویرپردازی از مهمترین جلوه‌های هنری شعر روح‌الامین است. وی با بهره‌گیری از آرایه‌های بیانی، به ویژه تشبیه و استعاره، تصاویری بدیع و خیال‌انگیز از طبیعت، صحنه‌های شکار و دیگر موضوعات می‌آفریند. از نمونه‌های شاخص آن، توصیف طلوع و غروب خورشید و صحنه شکار گورخر است.

وصف طلوع خورشید و آغاز صبح:

شحنه روز چون رسید از راه کند از بر هوا لباس سپاه
(همان: ۱۰۶)

شب به دستور روز ره میرفت گندم‌آسا به تاب‌ه‌ام میتفت

کرد جاری چو مهر زهره‌شکار شیر در جوی صبح شیرین‌کار
(همان: ۱۲۱)

غروب آفتاب و آغاز شب:

جامه نور چون بکند زمین شد سیه‌پوش همچو چرخ برین

فکر شومش به این گرفت قرار که چو آید غراب مهرشکار

دهر پوشد لباس عیاری پرده‌پوشی کند به هر کاری
(همان: ۱۰۶)

تا بیامد غراب بازشکار بط مه را گرفته در منقار
(همان: ۱۱۹)

از زیباترین نمونه‌های تصویرپردازی شاعر، وصف گورخر در صحنه شکار است:

شد برای شکار اندر دشت در پی گور نوروش میگشت

که فتادش نظر به گوری خوش تند و سرکش چو شعله آتش

همت‌آسای گردن‌افرازی با قضا و قدر هم‌انبازی

پوست‌پوشی چو نافه تاتار خوش‌خرامی چو روح بی‌آزار

پشت او بر فلک زده پهلوی سینه‌اش با سمن شده هم‌گو...
(همان: ۱۳۵)

روح‌الامین همچنین تصاویری زیبا و بدیع در وصف قصر خورنق (همان: ۶۷)، معشوق (ص ۷۸)، چشمه‌سار (ص ۹۲)، درختان (ص ۱۰۰)، گلزار (ص ۱۲۱)، و مردان حق (ص ۱۴۴) خلق کرده است.

بررسی سطح فکری

«آسمان هشتم» به تاسی از هفت‌پیکر نظامی سروده شده است. این اثر از دو بخش اصلی تشکیل شده است که در بخش نخست، منظومه با حمد و ستایش خداوند، نعت پیامبر اکرم (ص)، منقبت حضرت علی (ع)، ارزش سخن، سبب نظم کتاب و مدح محمدقلی‌شاه آغاز میشود. در بخش دوم، ابتدا داستان بهرام گور را روایت میکند و سپس با ساخت قصرهای هفت‌گانه و نقل داستانهای هفت شاهدخت ادامه مییابد. این بخش، که یادآور ساختار هفت‌پیکر نظامی است، بخش عمده منظومه را تشکیل میدهد و شاعر در خلال این حکایات، مضامین اخلاقی، اجتماعی، عاشقانه و تعلیمی را مطرح میسازد.

اندیشه‌های دینی

اندیشه‌های دینی یکی از مهمترین مؤلفه‌های فکری منظومه «آسمان هشتم» است. توحید، معاد، ولایت و بهره‌گیری از آیات و مفاهیم قرآنی از بارزترین جلوه‌های این اندیشه در منظومه به شمار میرود.

اعتقاد به یگانگی و جاودانگی خداوند:

خداوند در نگاه او خالق هستی، یگانه موجود باقی و منزّه از جسم و مکان است:

گشته از تو وجود ما پیدا ما همه فانی و تو راست بقا

(همان: ۳۹)

ز ابتدا و ز انتها دوری جسم و جوهر نه‌ای و با نوری

(همان: ۳۹)

بهره‌گیری از آیات و مفاهیم قرآنی:

شاعر در موارد متعددی از آیات و مفاهیم قرآنی الهام گرفته است؛ برای نمونه:

مهر و مه بر فلک طرازنده آدم از هیچ و پوچ سازنده

(همان: ۳۸)

به آیه شریفه «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا» (انسان / ۱) اشاره شده است که بر آفرینش انسان از نیستی دلالت دارد؛ همچنین در بیت:

کرد اعداد را چو داد مزاج آدمی را به تارک همه تاج

(همان: ۴۰)

مضمون آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسرا / ۷۰) انعکاس یافته است؛ آیه‌ای که بر برتری و کرامت انسان در میان آفریدگان تأکید دارد.

اعتقاد به معاد جسمانی:

اعتقاد به معاد جسمانی نیز در منظومه بازتاب یافته است، چنانکه شاعر میگوید:

هرکه ببند تو را به دیده دل در بهشت برین کند منزل

(همان: ۴۸)

پر کند جام دل ز آب روان تا ابد جسم پایدش چون جان

(همان: ۳۸)

اعتقاد به ولایت حضرت علی(ع):

ولایت حضرت علی (ع) نیز جایگاهی ویژه در اندیشه شاعر دارد و وی با اشاره به واقعه غدیر خم، بر منزلت آن حضرت تأکید میکند:

خواند او را نبی برادر خویش مرتبه‌اش را نموده از همه بیش
(همان: ۴۷)

اندیشه‌های عرفانی

عرفان از مهمترین مؤلفه‌های فکری منظومه است. روح‌الامین با طرح مفاهیمی چون معرفت نفس، فنا، حق‌بینی، ترک خودبینی و تعلقات دنیوی، مخاطب را به سلوک معنوی فرامیخواند:

هر دو عالم چو جسم و تو جانی جان چه، کافزون ز جان جانانی
(همان: ۳۹)

در بیان مسأله فنا و رهایی از خود میگوید:

چون ز خود دور گشت و شد همه او بر سر سرو وصل زد کوکو
(همان: ۴۵)

وی در بیان حقیقت راه حق، بر معرفت نفس و شناخت درونی تأکید میکند:

صورت توست، دال بر معنی جویی از خود خدای را یعنی

صورت خود نهی به پیش نظر نفکنی چشم خود به جای دگر

پی معنی بری از آن صورت وارد جسم و جانت از علت

همه حق گردی و شوی حق‌بین بندی از نور حق به دل آیین

(همان: ۶۰)

روح‌الامین همچنین ترک خودپرستی و رهایی از تعلقات دنیوی را شرط ورود به وادی عرفان میداند:

همه حق گرد و خویش را بگذار چند پیچی به خویشتن چون مار
(همان: ۶۰)

در بخشی دیگر نیز شاعر مخاطب را به پیمودن راه معرفت و سلوک عرفانی دعوت میکند:

راه‌پیمای شهر عرفان شو هر چه رویت نمود، به زان شو
(همان: ۱۴۱)

اندیشه‌های اخلاقی و تعلیمی

مهمترین جلوه اندیشه‌های اخلاقی در «آسمان هشتم»، در هفت داستانی نمود یافته است که ماهرویان هفت اقلیم برای بهرام گور روایت میکنند. این حکایتها افزون بر پیشبرد روایت، حامل پیامهای اخلاقی، اجتماعی و تعلیمی هستند.

- داستان بانوی هند بر ناپایداری دنیا و دگرگونی احوال انسان تأکید دارد. ناپدید شدن مردان شهر و سرانجام آشکار شدن حقیقت، یادآور بی‌ثباتی جهان و ناتوانی انسان در پیش‌بینی سرنوشت خویش است.

- در داستان دختر رومی، شاعر با روایت دریایی که روزها طوفانی و شبها آرام است، مخاطب را به قناعت، رضایت به روزی مقدر و پرهیز از حرص و آز دعوت میکند و آرامش را در گرو دل بردن از آزمندی میداند.

- داستان دختر خوارزم، که بر محور دوری پسر وزیر از وطن و بازگشت دوباره او شکل گرفته است، بر نقش تقدیر الهی و حاکمیت مشیت خداوند بر زندگی انسان تأکید میکند و نشان میدهد که اراده الهی بر خواست انسان برتری دارد.

- در داستان دختر سقلاب، شاعر با روایت رنج مردی بی‌گناه، فضیلت صبر، استقامت و حق‌طلبی را میستاید و نشان میدهد که حقیقت، هرچند با تأخیر، سرانجام آشکار میشود و ستم پایدار نخواهد ماند.

- داستان دختر پادشاه ختن نیز بر ضرورت مهار خواهشهای نفسانی و حفظ اعتدال در تمایلات انسانی استوار است. شاعر با بهره‌گیری از ماجرای ساربان، پیامدهای پیروی از هوس را یادآور میشود و خویشتنداری را از عوامل سعادت انسان می‌شمارد.

- در حکایت دختر مغرب‌زمین، که محور آن جام حقیقت‌نمای رویگر است، پاکی درون، صداقت و صفای باطن شرط دستیابی به حقیقت معرفی میشود. در این داستان، حقیقت نه با ظاهر، بلکه با پاکی دل شناخته میشود و همین امر آن را به یکی از عرفانیترین داستانهای منظومه تبدیل کرده است.

افزون بر این حکایتهای روح‌الامین در بخشهای مختلف منظومه با اندرزه‌های مستقیم نیز مخاطب را به فضایل اخلاقی فرامیخواند و از رذایل برحذر میدارد؛ برای مثال:

خودپرستی بسان شیطان چند پا برون نه به جهد از این نُه بند
(همان: ۶۰)

نکوهش خودپرستی:

با سرت عقل اگر شده همسنگ از حسد دور باش صد فرسنگ
(همان: ۶۲)

دوری از حسد:

همچو سوسن مکن دراز زبان که زیان تن است و زحمت جان
(همان: ۶۲)

نکوهش پرگویی و دخالت در کار دیگران:

بوالفضولی مکن گرت هُش هست همچو مردان بدار از وی دست
(همان: ۱۴۲)

شمع دانش فروز اندر دل پا برون کش چو آسمان زین گل
(همان: ۱۴۰)

توصیه به دانش‌اندوزی:

مرهم جان خسته‌جانان شو جسد از بهر چیستی جان شو
(همان: ۱۴۰)

توصیه به خوشرفتاری و مهربانی:

دل کن از مهر ماسوا خالی مکن از بهر هیچ حمّالی
(همان: ۱۴۰)

نکوهش دنیا پرستی:

دل نبندی بر این سپهر کبود که ندیده کسی ز مهرش سود
(همان: ۱۴۰)

سفارش به عشق ورزی:

بادۀ شوق در ایاغ فکن روغن عشق در چراغ فکن
(همان: ۱۴۱)

بهره‌گیری از فرهنگ باستانی ایران

یکی از ویژگی‌های فکری و فرهنگی «آسمان هشتم»، توجه به میراث اساطیری و فرهنگی ایران باستان است. شاعر، همانند بسیاری از سرایندگان دوره صفوی، افزون بر بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی، از شخصیتها، قهرمانان و عناصر اسطوره‌ای ایران نیز برای مضمون‌آفرینی و تصویرسازی استفاده کرده است. بسامد بالای این اشارات نشان می‌دهد که وی با منابع حماسی و اساطیری، به‌ویژه شاهنامه فردوسی، آشنایی داشته و از ظرفیتهای آن در غنای هنری و معنایی منظومه خود بهره برده است. از جمله شخصیتها و عناصر اساطیری مورد توجه شاعر میتوان به رستم، کیخسرو، کی‌قباد، افراسیاب، جمشید، سیمرغ، هما و قاف اشاره کرد:

رستم تاج‌بخش ملک ستان تخت چرخ‌گیر بخت جوان
(همان: ۵۴)

گر بدین دانه نیک‌نام افتند همچو سیمرغ نیک‌نام افتند
(همان: ۷۱)

افراسیاب (ص ۱۴۳)، جمشید (ص ۱۴۴)، کی‌قباد (ص ۱۵۱)، هما (ص ۱۴۱).

بهره‌گیری از اصطلاحات شطرنج

شطرنج از دیرباز در ادبیات فارسی جایگاهی ویژه داشته و شاعران از مهره‌ها و قواعد آن برای بیان مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و فلسفی بهره گرفته‌اند. روح‌الامین نیز با آگاهی از ظرفیتهای نمادین این بازی، از اصطلاحات آن برای مضمون‌آفرینی استفاده کرده است:

داده از فضل خود خدای کریم بیدقش را به شاه و رخ تقدیم
(همان: ۱۰۵)

باورها و اعتقادات عامیانه

بازتاب باورهای عامیانه از دیگر جنبه‌های فکری آسمان هشتم است. شاعر در جای‌جای منظومه، به باورهای رایج میان مردم و برخی داستانها و افسانه‌های کهن اشاره میکند. این اشارات افزون بر آنکه فضای فرهنگی و اجتماعی عصر شاعر را نشان می‌دهد، بیانگر آشنایی وی با فرهنگ عامه و بهره‌گیری از آن در آفرینش مضامین شعری است؛ برای نمونه:

دلِ دل چون شکست ای نادان ریخت بر خاک تیره بادۀ جان
(همان: ۱۳۹)

این بیت به رسم کهن ریختن جرعه‌ای از شراب یا نوشیدنی بر زمین به نیت یادکرد درگذشتگان و ادای احترام به ارواح آنان اشاره دارد، و یا اشاره به اعتقاد قدما به پهن کردن پارچه‌های کتانی در نور مهتاب است که موجب فرسودگی آن میشود:

تو برش نیستی به هیچ حساب پهن کتان کنی چه در مهتاب
(همان: ۷۰)

همچنین، اشاره به باور کهن «کیمیا» (ص ۱۳۰)، افسانه عامیانه «شنگول» و «منگول» (ص ۸۲)، «سپند دود کردن برای دفع چشم زخم» (ص ۶۸).

نوآوریها و تقلیدهای روح‌الامین

آسمان هشتم روح‌الامین اصفهانی از نظر الگوی روایی و ساختار کلی، آشکارا از هفت‌پیکر نظامی تأثیر پذیرفته است. هر دو منظومه از دو بخش اصلی تشکیل شده‌اند: بخش نخست به سرگذشت بهرام از کودکی، پرورش او در عربستان نزد نعمان بن منذر و رسیدنش به پادشاهی ایران اختصاص دارد و بخش دوم، هسته اصلی روایت، به ماجرای هفت گنبد و هفت داستان درونی مربوط است. در هر دو اثر، بهرام هفت شاهزاده‌خانم از هفت اقلیم را به همسری میگیرد و هر یک را در گنبدی با رنگی متناسب با سیاره و اقلیم مربوط جای میدهد. بهرام هر روز نزد یکی از بانوان میرود و هنگام خواب داستانی از او میشوند.

با وجود این تأثیرپذیری ساختاری، روح‌الامین در محتوای داستانهای درونی از نظامی تقلید نکرده و هفت افسانه مستقل و متفاوت از روایتهای هفت‌پیکر سروده است. از این رو، میتوان گفت که اقتباس او بیشتر در سطح الگوی روایی صورت گرفته و در حوزه داستان‌پردازی، استقلال خود را حفظ کرده است.

تفاوت دیگر دو منظومه در مقدمه و آغاز داستان است. هر دو اثر با ستایش یزدان و نعت پیامبر اکرم (ص) آغاز میشوند؛ اما روح‌الامین در آسمان هشتم ابیاتی نیز در مدح حضرت علی (ع) آورده است که در هفت‌پیکر وجود ندارد. همچنین آغاز داستان در آسمان هشتم تفصیل بیشتری دارد و شاعر ویژگیهای اسب، وصف پدر بهرام و درخواست او از پادشاه یمن برای شکار را نیز بیان میکند.

در پایان نیز هر دو اثر، سرنوشت بهرام را به شکار گور و ناپدید شدن او پیوند میدهند؛ با این تفاوت که بهرام در هفت‌پیکر در غار و در آسمان هشتم در دره ناپدید میشود. افزون بر این، روح‌الامین پس از ماجرای هفت گنبد به موعظه و پند میپردازد، در حالی که چنین بخش مستقلی در هفت‌پیکر دیده نمیشود. برخی حوادث پایانی هفت‌پیکر نیز در آسمان هشتم بازتاب نیافته‌اند؛ از جمله آگاهی دوباره بهرام از لشکرکشی خاقان چین، اندرز گرفتن از شبان، بازخواست وزیر ستمکار، شکایت هفت مظلوم و پوزش خواستن خاقان چین از بهرام. این تفاوت‌ها نشان میدهد که روح‌الامین در عین بهره‌گیری از طرح نظامی، روایت خود را مطابق اهداف و شیوه شخصی خویش بازپردازی کرده است.

استقلال روح‌الامین در سطح زبان و بلاغت نیز آشکار است. شاعر در ساخت تشبیه‌های غریب و استعاره‌های نو توانایی چشمگیری دارد. برای نمونه:

خلق بودند جمله چون درتاب بود عنقا صفت توان نایاب
(همان: ۱۳۶)

با تشبیه «توان» به «عنقا» با ایجاد پیوند میان مفهومی انتزاعی و موجودی افسانه‌ای، تصویری غریب و بدیع پدید آورده است.

نمونه دیگر در مدح حضرت علی(ع) دیده میشود:

آفتاب سپهر عزت جاه روشنی بخش دیده خور و ماه

(همان: ۲۶۱)

در این بیت، «آفتاب» استعاره از حضرت علی(ع) است و شاعر در کنار آن از «سپهر عزت» و تصویر «دیده خور و ماه» بهره گرفته و با پیوند این عناصر، تصویری متناسب و چندلایه ساخته است.

روح‌الامین همچنین در توصیف‌های خود به تناسب تصویر با موضوع و مقتضای حال توجه دارد. برای مثال:

اختران را گسسته شد چو مهر بختی مهر شد به صبح قطا

شد شتر سوی دشت بهر چرا من علی الرسم رفته‌ام به قفا

(همان: ۱۲۰)

کاربرد عناصر تصویری مرتبط با شتر و حرکت آن، نشان‌دهنده توجه شاعر به تناسب میان موضوع، تصویر و زبان است.

بنابراین، آسمان هشتم از حیث الگوی روایی و ساختار کلی، متأثر از هفت‌پیکر نظامی است؛ اما روح‌الامین در انتخاب و پرداخت داستانهای درونی، گسترش برخی بخشهای روایت، پایان‌بندی و به‌ویژه در سطوح زبانی، تصویری و بلاغی، از الگوی خود فراتر رفته و عناصر خلاقانه و فردی خویش را به اثر افزوده است.

نتیجه‌گیری

روح‌الامین اصفهانی از شاعران توانمند عصر صفوی است که با وجود تأثیرپذیری آشکار از نظامی گنجوی، به‌ویژه در ساختار و شیوه روایت هفت‌پیکر، توانسته است هویت و ویژگیهای خاص خود را در منظومه «آسمان هشتم» حفظ کند. هرچند این اثر در شمار منظومه‌های تقلیدی قرار میگیرد، اما توانایی شاعر در داستان‌پردازی، مضمون‌آفرینی و تصویرسازی سبب شده است که آسمان هشتم جایگاهی شایسته در میان منظومه‌های فارسی به دست آورد.

این منظومه افزون بر ارزشهای ادبی و هنری، از جنبه‌های تاریخی، فرهنگی و زبانی نیز اهمیت فراوانی دارد. کاربرد واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحات متنوع، بازتاب فرهنگ و باورهای عامیانه، توجه به میراث اساطیری ایران و بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و عرفانی، بر غنای محتوایی اثر افزوده است. همچنین، روح‌الامین در ترکیب‌سازی و توصیف مناظر، اشخاص، بناها و پدیده‌های طبیعی از مهارتی چشمگیر برخوردار است و در بسیاری از موارد تصاویری بدیع و ماندگار خلق کرده است.

بررسی آرایه‌های ادبی «آسمان هشتم» نشان میدهد که شاعر با وجود سادگی و روانی زبان، از ظرفیتهای گوناگون بلاغی بهره فراوان برده است. تشبیهات نو و ابتکاری، استعاره‌های بدیع، کنایه‌های پرمعنا، پارادوکسهای هنرمندانه، حس‌آمیزی، تلمیح، اغراق و تصویرسازیهای خلاقانه از مهمترین عناصر زیبایی‌شناسی این منظومه به شمار میروند.

در میان این آرایه‌ها، تشبیه، کنایه، استعاره و توصیف‌های هنرمندانه از بسامد بیشتری برخوردارند و نقش مهمی در شکل‌گیری سبک شاعر ایفا می‌کنند.

از منظر فکری نیز «آسمان هشتم» اثری غنی و چندلایه است. اندیشه‌های دینی، عرفانی، اخلاقی و تعلیمی در سراسر منظومه حضوری پررنگ دارند و شاعر از طریق داستانها، حکایتها و اندرزهای مستقیم، مخاطب را به فضایل اخلاقی، معرفت دینی، خودشناسی، عشق‌ورزی، فروتنی، دانش‌اندوزی و دوری از رذایل اخلاقی فرامیخواند. بدین ترتیب، روح‌الامین تنها به آفرینش اثری ادبی بسنده نکرده، بلکه کوشیده است از شعر به‌عنوان ابزاری برای تعلیم و تربیت و انتقال ارزش‌های انسانی و معنوی بهره گیرد.

در مجموع، «آسمان هشتم» را میتوان منظومه‌ای ارزشمند دانست که در آن عناصر هنری، زبانی، فرهنگی و فکری در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. این اثر ضمن تأثیرپذیری از سنت منظومه‌سرایی فارسی، به‌ویژه آثار نظامی، از ویژگیهای مستقل و قابل توجهی برخوردار است و مطالعه آن میتواند در شناخت بهتر ادبیات عصر صفوی، شیوه‌های منظومه‌سرایی و تحولات فکری و فرهنگی این دوره سودمند باشد.

مشارکت نویسندگان :

این مقاله از رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه شهید باهنر کرمان استخراج شده است که آقای دکتر محمدرضا صرفی استاد راهنما، نویسنده مسئول و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند و آقای دکتر حمیدرضا خوارزمی به عنوان استاد مشاور و خانم نورسته باغبان مشیری بعنوان دانشجو و نگارنده در گردآوری این مقاله نقش داشته‌اند و در نهایت محتوای این مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر است.

تشکر و قدر دانی

نویسنده، مراتب سپاس و امتنان خود را از مسئولین فرهیخته نشریه وزین سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام میدارد.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- ‘Ābedī, Amīr Ḥosayn. (1998). *Goftārḥā-ye Pazhūheshī dar Zamīne-ye Adabiyāt-e Fārsī* [Research Essays on Persian Literature]. Compiled by Sayyed Ḥasan ‘Abbāsī. Tehran: Elmi va Farhangi Publications.
- ‘Alī Bayān Rūd Baneh, Somayyeh. (2012). “*Taṣḥīḥ va Barrāsī-ye Sabk-shenāsāne-ye Haft Gonbad-e Bahrām, Rūḥ al-Amīn Esfahānī*” [Critical Edition and Stylistic

- Study of Haft Gonbad-e Bahrām by Rūḥ al-Amīn Esfahānī]. Master's thesis, Payame Noor University, Rasht Center.
- Anvarī, Ḥasan. (2004). Farhang-e Kenāyāt-e Sokhan [A Dictionary of Persian Idioms]. Tehran: Sokhan.
- Āqā Bozorg al-Tehrānī, Muḥammad Muḥsin. (1983). Al-Dharī'a ilā Taṣānīf al-Shī'a [A Bibliography of Shiite Works]. Beirut: Dār al-Aḍwā'.
- Bahar, Muḥammad Taqī (Malek al-Sho'arā'). (1991). Sabk-shenāsī, Vol. 2 [Stylistics]. Tehran: Amīr Kabīr Publishing Institute.
- Dāneshpazhūh, Muḥammad Taqī, and Bahā' al-Dīn Anvārī. (n.d.). Fehrest-e Ketābhā-ye Khaṭṭī-ye Ketābkhāne-ye Majles-e Senā, Vol. 1 [Catalogue of Manuscripts in the Senate Library]. Tehran: Senate Library.
- Dehkhodā, 'Alī Akbar. (1958). Loghat-nāme-ye Dehkhodā [Dehkhoda Dictionary]. Tehran: Dehkhoda Dictionary Institute.
- Fotūḥī, Maḥmūd. (2000). Naqd-e Adabī dar Sabk-e Hendī [Literary Criticism in the Indian Style]. Tehran: Rūzgār.
- Golchīn Ma'ānī, Aḥmad. (1969). Tārīkh-e Tazkerehā-ye Fārsī, Vol. 1 [History of Persian Tazkiras]. Tehran: University of Tehran Press.
- Ḥasanpūr Ālashtī, Ḥosayn. (2005). Tarz-e Tāza: Sabk-shenāsī-ye Sabk-e Hendī [The New Style: A Stylistic Study of the Indian Style]. Tehran: Sokhan.
- Homāyī, Jalāl al-Dīn. (1989). Fonūn-e Balāghat va Ṣanāye'-e Adabī [The Arts of Rhetoric and Literary Figures]. Tehran: Homā Publishing Institute.
- Jamālzāda, Muḥammad 'Alī. (1962). Farhang-e Loghāt-e 'Āmiyāna [A Dictionary of Colloquial Words]. Edited by Muḥammad Ja'far Maḥjūb. Tehran: Elm Publishing.
- Kambū, Muḥammad Ṣāleḥ. (1967). 'Amal-e Ṣāleḥ (Shāhjahān-nāme) [The Righteous Deeds (Shah Jahan-nama)]. Edited by Ghulām Yazdānī and Vaḥīd Quraishī. Lahore: Majlis-e Taraqqī-ye Adab.
- Khoshgu, Bandar ibn Dās. (1958). Safīne-ye Khoshgu: Tazkere-ye Sho'arā-ye Fārsī [Khoshgu's Anthology: A Biographical Dictionary of Persian Poets]. Edited by Sayyed Muḥammad Shāh and Muḥammad 'Aṭā' al-Raḥmān Kākavī. Patna: Department of Arabic and Persian Research.
- Khoshgu, Bandar ibn Dās. (2010). Safīne-ye Khoshgu [Khoshgu's Anthology]. Edited by Sayyed Kalīm Aṣghar. Tehran: Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly.
- Lāhūrī, 'Abd al-Ḥamīd. (1867). Pādshāhnāme, 2 vols. [The Padshahnama]. Edited by Mawlavī Kabīr al-Dīn Aḥmad and Mawlavī 'Abd al-Raḥīm. Calcutta: Asiatic Society of Bengal.
- Lāla Tīk Chand Bahār. (2000). Bahār-e 'Ajam: Farhang-e Loghāt va Tarkībāt va Kenāyāt va Amthāl-e Fārsī [Bahār-e 'Ajam: A Dictionary of Persian Words,

- Compounds, Idioms, and Proverbs]. Edited by Kāẓem Dezfūliyān. Tehran: Ṭalāyeh.
- Manzavī, Aḥmad. (1972). *Fehrest-e Noskhehā-ye Khaṭṭī-ye Fārsī*, Vol. 4 [Catalogue of Persian Manuscripts]. Tehran: Cultural Institute of the Regional Office.
- Mofakkhkhar Ābādī, Muḥammad ‘Abd al-Ghanī Khān. (1916). *Tazkereh al-Sho‘arā* [Biographical Dictionary of Poets]. Edited by Muḥammad Moqtadā Khān Shīrvānī. Aligarh: Lithographic Press.
- Monjed al-Ṭollāb. (1989). *Farhang-e ‘Arabī–Fārsī* [Arabic–Persian Dictionary]. Translated by Muḥammad Bandar Rīgī. Tehran: Eslāmī Publications.
- Nafīsī, ‘Alī Akbar. (1964). *Farhang-e Nafīsī (Nāẓem al-Aṭebbā’)* [Nafisi Dictionary]. Tehran: Khayyām.
- Neẓāmī Ganjavī. (1997). *Haft Peykar* [The Seven Beauties]. Edited by Sa‘īd Ḥamīdiyān. Tehran: Qatreh.
- Qur’ān. (n.d.). *The Holy Qur’ān*.
- Rahpīmā, Fātemeh. (2013). “*Taṣḥīḥ va Ta’līq-e Masnavī-ye Āsmān-e Hashtom-e Asar-e Rūḥ al-Amīn-e Shahrestānī*” [Critical Edition and Annotation of the Masnavi Āsmān-e Hashtom by Rūḥ al-Amīn Shahrestānī]. Master’s thesis, University of Kashan.
- Rāshidī, Sayyed Ḥosām al-Dīn. (1967). *Tazkere-ye Sho‘arā-ye Kashmir*, Part 3 [Biographical Dictionary of the Poets of Kashmir]. Karachi: Iqbal Academy.
- Rūḥ al-Amīn Esfahānī, Mīr Muḥammad Amīn. (2012). *Bahrām-nāme (Āsmān-e Hashtom)* [Bahrām-nāme (The Eighth Heaven)]. Under the supervision of Eva Ortmann and Muḥammad Karīmī Zanjānī Aṣl. Qom: Majma‘-e Zakhe‘er-e Eslāmī.
- Rūḥ al-Amīn Shahrestānī Esfahānī, Mīr Muḥammad Amīn. (2010). *Khosrow o Shīrīn* [Khosrow and Shirin]. Edited and introduced by Parīchehr Solṭānī. Tehran: Sāmān Dānesh.
- Şafā, Zabīḥollāh. (1996). *Tārīkh-e Adabiyāt dar Īrān*, Vol. 5, Part 2 [History of Literature in Iran]. Tehran: Ferdows.
- Shādrūy Manesh, Muḥammad, and Kāveh Akhtarpūr. (2019). “*Barrāsī-ye Enteqādī-ye Manābe‘-e Sharḥ-e Ḥāl va Sorūdehā-ye Rūḥ al-Amīn-e Shahrestānī*” [A Critical Study of the Biographical Sources and Poems of Rūḥ al-Amīn Shahrestānī]. *Āyene-ye Mīrāth*, no. 65, 203–221.
- Shafī‘ī Kadkanī, Muḥammad Rezā. (1987). *Shā‘er-e Āyenehā: Barrāsī-ye Sabk-e Hendī va She‘r-e Bedel* [The Poet of Mirrors: A Study of the Indian Style and Bedil’s Poetry]. Tehran: Āgāh.
- Shafī‘ī Kadkanī, Muḥammad Rezā. (2002). *Mūsīqī-ye She‘r* [The Music of Poetry]. Tehran: Āgāh.

- Shafī'ī Kadkanī, Muḥammad Rezā. (2006). *Šovar-e Khiyāl dar She'r-e Fārsī* [Imagery in Persian Poetry]. Tehran: Āgāh.
- Shahīdī, Sayyed Ja'far. (1971). *Farhang-e Loghāt va Eṣṭelāḥāt va Ta'bīrāt-e 'Erfānī* [A Dictionary of Mystical Words, Terms, and Expressions]. Tehran: Tahūrī Library.
- Shamīsā, Sīrūs. (1987). *Farhang-e Talmīḥāt: Asāṭīrī, Dāstānī, Tārīkhī va Mazhabī dar Adabiyāt-e Fārsī* [A Dictionary of Allusions: Mythological, Legendary, Historical, and Religious References in Persian Literature]. Tehran: Ferdows.
- Shamīsā, Sīrūs. (1994). *Kolliyāt-e Sabk-shenāsī*. 2nd ed. [A Comprehensive Study of Stylistics]. Tehran: Ferdows.
- Shamīsā, Sīrūs. (2008). *Farhang-e Eshārāt-e Adabiyāt-e Fārsī: Asāṭīr, Sonan, Ādāb, Eteqādāt*. 2nd ed., revised ed. [A Dictionary of References in Persian Literature: Myths, Traditions, Customs, and Beliefs]. Tehran: Mītrā.
- Shīrāzī, Ibn Yūsuf (Žiyā' al-Dīn Ḥadā'eq). (1974). *Fehrest-e Ketābkhāne-ye Majles-e Shūrā-ye Mellī*, Vol. 3 [Catalogue of the Library of the National Consultative Assembly]. Revised and expanded by 'Abd al-Ḥosayn Ḥā'erī. 2nd ed. Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly.
- Tajlīl, Jalīl. (1997). *Ma'ānī va Bayān* [Meanings and Rhetoric]. 8th ed. Tehran: University Publishing Center.
- Torkamān, Eskandar Beg. (1998). *Tārīkh-e 'Ālam-ārā-ye 'Abbāsī*, Vol. 2 [The History of the World-Decorating of Abbas]. Edited by Muḥammad Ismā'īl Razavī. Tehran: Pāp Golshan Amīr Kabīr.

فهرست منابع فارسی

- آقابزرگ الطهرانی، محمدمحسن. (۱۹۸۳/۱۴۰۳م). *الذریعة إلى تصانیف الشیعه*. بیروت: دارالاضواء.
- انوری، حسن. (۱۳۸۳). *فرهنگ کنایات سخن*. تهران: سخن.
- بهار، محمدتقی (ملک‌الشعرا). (۱۳۷۰). *سبک‌شناسی*، ج ۲. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- تجلیل، جلیل. (۱۳۷۶). *معانی و بیان*. چاپ هشتم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ترکمان، اسکندر بیک (۱۳۷۷). *تاریخ عالم آرای عباسی*، جلد دوم. به کوشش محمد اسماعیل رضوی. تهران: پاپ گلشن امیر کبیر.
- جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۴۱). *فرهنگ لغات عامیانه*. به کوشش محمدجعفر محبوب. تهران: نشر علم.
- حسن‌پور آلاشتی، حسین. (۱۳۸۴). *طرز تازه: سبک‌شناسی سبک هندی*. تهران: سخن.
- خوشگو، بندربن داس. (۱۳۸۹). *سفینه خوشگو*. به تصحیح سید کلیم اصغر. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خوشگو، بندربن داس. (۱۹۵۸م). *سفینه خوشگو (تذکره شعرای فارسی)*. به اهتمام سید محمدشاه و محمد عطاالرحمن کاکوی. پتنا: اداره تحقیقات عربی و فارسی.

دانش پژوه، محمدتقی و انواری، بهاء‌الدین. (بی‌تا). فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه مجلس سنا، ج ۱. تهران: مجلس سنا.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
راشدی، سیدحسام‌الدین. (۱۳۴۶). تذکره شعرای کشمیر، بخش سوم. کراچی: اقبال آکادمی.
ره‌پیما، فاطمه، (۱۳۹۲). «تصحیح و تعلیق مثنوی آسمان هشتم اثر روح‌الامین شهرستانی» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان)

روح‌الامین اصفهانی، میرمحمدامین. (۱۳۹۱). بهرام‌نامه (آسمان هشتم). زیر نظر اوا اورتمن، محمد کریمی اصل. قم: مجمع ذخایر اسلامی.

روح‌الامین شهرستانی اصفهانی، میرمحمدامین. (۱۳۸۹). خسرو و شیرین. به تصحیح و مقدمه پریچهر سلطانی. تهران: سامان دانش.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). سیری در شعر فارسی، بخش انتقادی در شعر فارسی، تهران: نوین.
شادروی منش، محمد، اختر پور، کاوه. (۱۳۹۸). «بررسی انتقادی منابع شرح حال و سروده‌های روح‌الامین شهرستانی»، نشریه آینه میراث، شماره ۶۵ صص ۲۰۳-۲۲۱

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶). شاعر آینه‌ها؛ بررسی سبک هندی و شعر بیدل. تهران: آگاه.
شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۱). موسیقی شعر، تهران: آگاه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۵). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
شمیسا، سیروس. (۱۳۶۶). فرهنگ تلمیحات؛ اساطیری، داستانی، تاریخی و مذهبی در ادبیات فارسی. تهران: فردوس.

شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). کلیات سبک‌شناسی. چاپ دوم. تهران: فردوس.
شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). فرهنگ اشارات ادبیات فارسی (اساطیر، سنن، آداب، اعتقادات). ویرایش دوم، چاپ دوم تهران: میترا.

شهیدی، سید جعفر. (۱۳۵۰). فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. تهران: کتابخانه طهوری.
شیرازی، ابن یوسف (ضیاء‌الدین حدائق). (۱۳۵۳). فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی با اصلاح و تکمیل عبدالحسین حائری جلد سوم، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ دوم.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۵). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش ۲. تهران: فردوس.
عابدی، امیرحسین. (۱۳۷۷). گفتارهای پژوهشی در زمینه ادبیات فارسی. گردآوری سیدحسن عباسی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

علی بیان رود بنه، سمیه. (۱۳۹۱). «تصحیح و بررسی سبک شناسانه هفت گنبد بهرام، روح‌الامین اصفهانی» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز رشت)

فتوحی، محمود. (۱۳۷۹). نقد ادبی در سبک هندی. تهران: نشر روزگار
قرآن مجید.

کمبو، محمدصالح. (۱۹۶۷م). عمل صالح (شاه‌جهان‌نامه). به اهتمام غلام یزدانی و وحید قریشی. لاهور: مجلس ترقی ادب.

گلچین معانی، احمد. (۱۳۴۸). تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

لاله تیک چند، بهار (۱۳۷۹). بهار عجم. فرهنگ لغات و ترکیبات و کنایات و امثال فارسی. تصحیح کاظم دزفولیان. تهران: طلایه.

لاهوری، عبدالحمید. (۱۸۶۷م). پادشاه نامه (۲ج). تصحیح مولوی کبیرالدین احمد و مولوی عبدالرحیم متعلقین. کلکته: انجمن آسیایی بنگال.

منجد الطلاب. (۱۳۶۸). فرهنگ عربی-فارسی، مترجم محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات اسلامی.

منزوی، احمد. (۱۳۵۱). فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۴. تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه.

موفرخ آبادی، محمدعبدالغنی خان. (۱۹۱۶م). تذکره الشعرا. به اهتمام محمد مقتدی خان شروانی. علیگره: چاپ سنگی.

نظامی گنجوی. (۱۳۷۶). هفت‌پیکر. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.

نفیسی، علی‌اکبر. (۱۳۴۳). فرهنگ نفیسی (ناظم‌الاطباء). تهران: خیام.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۶۸). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: موسسه نشر هما.

معرفی نویسندگان

نورسته باغبان مشیری: گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

(Email: noraste@ens.uk.ac.ir)

(ORCID: 0009-0007-5193-3192)

محمد رضا صرفی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

(Email: msarfi@uk.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0003-2088-0001)

حمیدرضا خوارزمی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

(Email: hamidrezakharasmi@uk.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-4546-4429)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Noraste Baghban Moshiri: Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

(Email: noraste@ens.uk.ac.ir)

(ORCID: 0009-0007-5193-3192)

Mohammad Reza Sarfi: Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

(Email: msarfi@uk.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0003-2088-0001)

Hamidreza Kharazmi: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

(Email: hamidrezakharasmi@uk.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-4546-4429)